

شناسایی دلایل شکل‌گیری تعارض زناشویی در دوران عقد

جواد خدادادی سنگده * ID | استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

دوره عقد ورود به مرحله جدیدی از زندگی است که تأثیر مهمی در زندگی فردی و اجتماعی هر شخصی دارد. براین اساس پژوهش حاضر باهدف شناسایی دلایل شکل‌گیری تعارضات زناشویی در دوره عقد انجام شد. این پژوهش کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل مضمونی (تماتیک) انجام شد. جمعیت مورد مطالعه پژوهش برابر است با مشارکت‌کنندگان پژوهش که زوج‌های عقد کرده متعارض مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۳۹۹ که ملاک‌های ورود به پژوهش داشتند را شامل شد. مشارکت‌کنندگان بر مبنای منطق نمونه‌گیری هدفمند و به روش در دسترس از بین مراجعان واجد شرایط انتخاب شدند. فرایند نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۶ مشارکت‌کننده از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل مضمونی اطلاعات نشان داد که نقصان در ابعاد فردی، تعاملی، خانواده اصلی و انطباق‌پذیری فرهنگی چهار دلیل اصلی تعارض در عقد محسوب می‌شود. زوج‌های متعارض در دوران عقد به دلیل این نقصان چندوجهی، به‌جای حرکت در مسیر الگوی مکملیت زن و شوهری، الگوی آسیب‌زا تعقیب-گریز و یا کنترل منفی را بر رابطه حاکم می‌کنند و در نتیجه دامنه تعارض گسترده می‌شود. براین اساس در فرایند مشاوره با زوج‌های متعارض دوره عقد تمرکز بر نقصان شناسایی شده اهمیت بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: دوره عقد، تعارض زناشویی، تحلیل مضمون.

مقدمه

انتخاب همسر، از مهم‌ترین تصمیماتی است که هر شخصی در طول زندگی‌اش می‌گیرد و با عقد، مقدمات تشکیل عمیق‌ترین رابطه عاطفی رقم می‌خورد و موفقیت در مراحل دیگر زندگی تا حد قابل توجهی با چگونگی این دوره اولیه در ارتباط است (سامر و جاستینو^۱، ۲۰۱۵). در فرهنگ ایرانی زندگی مشترک زن و شوهر با دوران عقد شروع می‌شود. این بدان معناست که با جاری شدن صیغه عقد دائم، رابطه دختر و پسر، به‌عنوان یک رابطه قانونی و شرعی زن و شوهری در نظر گرفته می‌شود. دوران عقد به دوره‌ای اطلاق می‌شود که با عقد ازدواج شروع شده و با شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف پایان می‌یابد (فتوگرافی، ۱۳۸۸). کیفیت رابطه با همسر در دوره عقد (معادل نامزدی در فرهنگ غرب)، از موضوعات اساسی در مشاوره ازدواج محسوب می‌شود چراکه این دوره برای شروع یک مسیر دائمی و بلندمدت که با تحولات فردی و اجتماعی روبه‌رو است (میلر^۲، ۲۰۲۱) و برای تجربه کردن رابطه‌ای با طیف گسترده‌ای از سطحی‌ترین عواطف و احساسات شخصی تا عمیق‌ترین تجارب صمیمانه و غیرقابل‌توصیف نسبت به طرف مقابل، حائز اهمیت است (لین و همکاران^۳، ۲۰۱۸). کارتر و مک‌گلدریک^۴ (۱۹۸۸)، معتقدند چرخه زندگی خانوادگی^۵ از مراحل تحولی تشکیل می‌شود که از مرحله مجرد بزرگ‌سال آغاز و تا زوج‌های سالمند تداوم دارد. مرحله زوج شدن به‌عنوان مرحله دوم این چرخه زندگی خانوادگی، به‌عنوان دشوارترین انتقال در این چرخه به‌شمار می‌رود. وارد شدن در این مرحله جدید و تعهد به سیستم جدید، هر عضو را وادار می‌دارد تا در زندگی زوجی خود، وفاداری‌های گذشته خود را گسترش داده و تعهدات جدیدی را شکل دهد. تکالیف تحولی در این مرحله، مواردی نظیر تجدید ساختار روابط با خانواده گسترده و دوستان به‌گونه‌ای که همسر را نیز شامل شود، مذاکره درباره رابطه زناشویی و پایه‌گذاری الگوهای

1. Sommer, F. & Justino, C.

2. Miller, P. E

3. Lee, Y. et al.

4. Carter, B. E. & McGoldrick, M. E.

5. family life cycle

زندگی مشترک که بر آینده ازدواج تأثیر می‌گذارد را شامل می‌شوند (کارتر^۱، ۱۹۹۹ و بالارد^۲، ۲۰۱۲). تجربه دوران عقد، منجر می‌شود تا افراد آشنایی و پیوند خود را عمیق‌تر کنند و خود را برای زندگی مشترک آماده نمایند این دوره باعث می‌شود آشنایی متقابل زن و شوهر دارای تداوم و عمق و شفافیت بیشتر شود و آمادگی برای کارکردهای دیگری نظیر همکاری و مشارکت، پیوند عاطفی، مرزبندی‌های جدید و تعامل با خانواده‌ها و دوستان کسب شود. در واقع دوره عقد به قدری مهم است که نحوه آغاز و شکل‌گیری روابط در دوران عقد، بر رفتار و نحوه برخورد‌های بعدی زوجین؛ تأثیرات مثبت و منفی ماندگاری را به‌جای می‌گذارد (رضوی، جزایری، احمدی و اعتمادی، ۱۳۹۸). از آنجاکه فرهنگ ایرانی در حال گذار نسبی از فرهنگ سنتی می‌باشد، دستخوش تغییر و تحولات فرهنگی اجتماعی در نگرش‌ها، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم و آیین‌هاست (احمدی، ۲۰۱۶)، دوران عقد نیز تا حدودی دستخوش دگرگونی‌هایی شده‌اند. روابط نزدیک‌تر و روابط جنسی در زمان قدیم‌تر، تنها منوط به برگزاری مراسم عروسی و زیر یک سقف رفتن توسط دختر پذیرفته‌شده بود (فرهانی، کللند، مهریار، ۲۰۱۱)؛ اما به نظر می‌رسد که امروزه زوجین در دوران عقد امکان بیشتری دارند تا با یکدیگر وقت بیشتری بگذرانند، بیشتر در دسترس باشند و تعاملات عاطفی و جسمی بیشتری دارند (شریفی، ۲۰۱۸).

با نزدیکی بیشتر افراد به هم بروز تعارض در روابط امری طبیعی است و هیچ رابطه‌ای از این امر مستثنا نیست، در دوره عقد احتمال این وضعیت دوچندان است اکثر زوج‌ها حتی زوج‌های سالم و رضایتمند از ازدواج نیز تجربه تعارض را دارند چراکه هیچ دو نفری فکر، احساس و رفتار کاملاً مشابه ندارند و وجود تفاوت اجتناب‌ناپذیر است. بیان تفاوت‌ها در پیوستاری از کمترین تعارض تا بیشترین تعارض قرار می‌گیرد (کارلسون و اسپری^۳، ۲۰۱۰).

-
1. Carter, B. E.
 2. Ballard, M. B.
 3. Carlson, J. & Sperry, L.

از منظر نظری لانگ و یانگ^۱ (۲۰۰۷) در رویکرد یکپارچه‌نگر خود اذعان دارند تعارض زناشویی ناشی از تفاوت‌های ادراکی از موقعیت‌هاست. هر یک از زوجین نظر و برداشت متفاوتی در مورد یک موقعیت دارند و این تفاوت در ادراک موجب بروز تعارض در عواطف و رفتارها می‌شود. گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲ (۲۰۱۰) معتقدند در نظریه تبادل^۳ تعارض نتیجه ادراک روان‌شناختی زوج از این موضوع است که در مقایسه با داده چه میزان ستانده وجود دارد. زمانی که میزان پاداش دریافتی نسبت به میزان هزینه کم باشد، تعارض آشکار می‌شود. در نظریه اسناد^۴ زیربنای تعارض زناشویی را باور و عقیده زوجین درباره علل مشکل می‌داند. طبق این دیدگاه نسبت دادن علت مشکل به همسر و نپذیرفتن مسئولیت شخصی دلیل عمده تعارض زناشویی است. از منظر پژوهشی دلایل این تعارض‌ها می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای زیادی همچون ویژگی‌های شخصیتی (رحمتی، احمدبرآبادی و حیدرنیا، ۱۳۹۹)، سبک‌های دلبستگی و نحوه ادراک عشق‌ورزی (افشاریان، درتاج، سعدی‌پور، دلاور، شریعتی، ۱۴۰۰)، نگرش‌های مخرب فردی (بونک، دایکسترا، فچناور و کنریک^۵، ۲۰۰۲)، تفاوت ادراکی از شرایط اجتماعی-اقتصادی فرد و خانواده‌ها (سری^۶، ۲۰۱۰)، تحصیلات و طبقه اجتماعی (مالکی، ۲۰۰۹)، انتظارات و نگرش‌های جنسیتی (فراهانی، فاتحی زاده و اعتمادی، ۱۳۹۹)، نگرش به ازدواج و مهارت‌های حل تعارض (اسمعیلی و دهدست، ۱۳۹۳)، مسائل مرتبط با شغل (لوییز^۷، ۲۰۱۶)، تفاوت‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی^۸ (پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵) و چگونگی باورهای مذهبی زوجین (دهقان‌تنها، آیتی و شهابی زاده؛ ۱۳۹۲) قرار گیرد.

1. Long, L.L & Young, M.
2. Goldenberg, I. & Goldenberg, H.
3. Exchange Theory
4. Attribution Theory
5. Buunk, B. P. Dijkstra, P. Fetchenhauer, D. & Kenrick, D. T.
6. Sari, O.
7. Lewis, K.
8. Attachment Styles

بسیاری از زوجها وقتی درگیر تعارض هستند به دنبال کمک برای ازدواج خود نیستند و تنها زمانی به دنبال کمک می‌روند که دچار مشکل شدیدی شده باشند. در دوره عقد (نامزدی) تصور اینکه خود به تنهایی قابلیت حل مسائل را دارند و از طرف دیگر آشکار و پنهان تلاش دارند دیگری را از همان ابتدای رابطه همسو با دیدگاه خود کنند فرایند کمک حرفه‌ای را به عقب می‌اندازند و زمانی به دنبال کمک می‌آیند که معمولاً یکی از طرفین به طوری جدی به جدایی و طلاق فکر می‌کند (دیویس، لبو و اسپرنکل، ۲۰۱۲). بر اساس پیشینه‌های موجود با تداوم تعارض افراد در این شرایط عزت‌نفس پایین؛ سردرگمی نقش، خشم (سامر و جاستینو، ۲۰۱۵)؛ اضطراب، تردید و افسردگی (محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰) کاهش و مختل شدن عملکرد شغلی و تحصیلی (رسولی و فلاح، ۱۳۹۲)، ابتلا به آسیب روانی، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خشونت (گاتمن و نوتاریس^۲، ۲۰۰۲) شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و اقدام به رفتارهای پرخطر (میلر، ۲۰۲۱) همراه است. توانایی افراد در مدیریت و حل تعارض متفاوت است، همه زوجها لزوماً با این تعارض‌ها به شیوه بالغانه رفتار نمی‌کنند و به تدریج اختلاف‌ها گسترش می‌یابد و الگوی تعاملی به سمت رفتارهای قهری، تدافعی و تهاجمی و در نهایت گسستگی کشیده می‌شود. این تعارض‌ها چه آشکار یا پنهان، واقعی یا غیرواقعی، منطقی یا غیرمنطقی تبعاتی خاصی را برای طرفین زوج و خانواده طرفین در پی دارد و چنانچه به شیوه مؤثر حل و فصل نشود، روابط صمیمانه فرو می‌پاشد (مشهدی، ۱۳۹۹). نرخ جدایی و طلاق در دوره عقد طی سال‌های اخیر در کشور گواه این واقعیت ناخوشایند است و ضرورت بررسی دلایل ایجاد تعارض را پررنگ می‌سازد، به طوری که در سال ۱۳۹۶، تعداد ۶۰۵۴۰۴ ازدواج ثبت شده و تعداد ۱۷۴۵۷۸ طلاق گزارش شده که حاکی از آن است که سال‌های اخیر، کشور با روند کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق مواجه بوده است. همچنین طی ده سال اخیر، بیشترین میزان طلاق، مربوط به زوجینی بوده است که کمتر از یک سال از ثبت

1. Davis, S. D. Lebow, J. L. & Sprenkle, D. H.

2. Gottman, J. M. & Notaries, C. I.

عقد آن‌ها می‌گذشته است (سازمان ثبت‌احوال کشور، ۱۳۹۷). شهر تهران طی سال‌های متوالی بیشترین میزان نرخ اقدام به طلاق در سال‌های نخست زندگی را داراست و رونده فزاینده آن نگرانی و هشدار جدی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر تهران زبان، قومیت و فرهنگ‌های مختلف و متنوع را در دل خود جای داده است و ازدواج بین زبان و قومیت‌های متفاوت بالأخص در محیط‌های دانشگاهی و کاری امری رایج محسوب می‌شود. پرواضح است دلایل مختلفی از جمله تفاوت در پیشینه فردی، تجارب تربیتی، نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها و ارزش‌های متفاوت فردی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی می‌تواند رابطه زوج را در دوره عقد تحت تأثیر منفی خود قرار دهد. حال این خلأ احساس می‌شود که تعارض در دوره عقد ناشی از این تفاوت‌هاست یا خیر؟ دامنه این تعارض می‌تواند از کمترین اختلاف تا تعارض‌های فزاینده‌ای که منجر به پایان بخشی رابطه می‌شود، گسترده باشد بنابراین اهمیت دارد برای پیشگیری از طلاق و هدایت مداخلات مشاوره‌ای بر حوزه‌های اساسی شکل‌دهنده تعارض این مطالعه حائز اهمیت است. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد علی‌رغم مطالعات متعدد در زمینه تعارض زناشویی، پژوهش‌های چندان زیادی در رابطه با تعارض‌های دوره عقد در جامعه ایرانی صورت نگرفته است و یا مطالعات انجام گرفته غالباً نیز مبتنی بر دیدگاه اثبات‌گرایانه می‌باشد، بر این اساس این پژوهش در نظر دارد با رهیافت کیفی و مبتنی بر دیدگاه سازه‌گرایانه و بر اساس ادراکات ذهنی و تجارب مستقیم و دست اول کنش‌گران به این سؤال پاسخ دهد که دلایل عمده شکل‌گیری تعارض در دوره عقد کدامند؟

روش

این پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون^۱ انجام شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش چارچوب‌های موجود در داده‌های کیفی است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد به جستجوی مضامین آشکار و پنهان در دیدگاه و

تجارب افراد پردازد و سپس به تفسیر آن‌ها اقدام کند و جوهره اساسی چستی و چرایی یک پدیده را روشن سازد (بروان و کلارک^۱، ۲۰۰۶). روش تحلیل مضمونی مستلزم گردآوری داده‌های متنی-مصاحبه‌ای است. به همین منظور در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف‌پذیری و عمیق بودن آن برای پژوهش‌های کیفی از این دست ارجحیت دارد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷).

جمعیت مورد مطالعه پژوهش حاضر را زوج‌های متعارض در دوره عقد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره مسیر صلح در غرب، رضوان در مرکز و فراز در شمال شهر تهران در سال ۱۳۹۹ را تشکیل دادند. مشارکت‌کنندگان پژوهش از بین زوج‌های واجد شرایط مراجعه‌کننده به این مراکز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ و به شیوه در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بود از اینکه حداقل ۳ ماه از عقد آن‌ها گذشته باشد، به اذعان خودشان دارای اختلاف و کشمکش جدی هستند، حداقل یکی از خانواده‌ها از تعارض زوج آگاه بودند، هر دو یا یکی از طرفین زوج به خاطر تعارض با همسر به مراکز مشاوره مذکور مراجعه کرده و رضایت به مشارکت در پژوهش بودند. فرایند جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبه نیمه ساختارمند توسط پژوهشگر با هماهنگی قبلی با مشارکت‌کننده در مراکز مشاوره مذکور صورت گرفت. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به داده‌های تکراری ادامه یافت. اشباع داده در مصاحبه ۱۴ نمایان شد و جهت تأیید و اطمینان بیشتر دو مصاحبه دیگر انجام گرفت. در نهایت ۱۶ مشارکت‌کننده نمونه پژوهش را شکل دادند که اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول ۱ بیان شده است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با چند سؤال باز و کلی مثل "از نظر شما چه چیزهایی باعث شد که رابطه شما به اینجا رسید؟" یا "دلایل این اختلاف و کشمکش‌ها را چه چیزهایی می‌دانید؟" شروع می‌شد. سؤالات بعدی بر اساس روند مصاحبه و پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شد. در طی فرایند مصاحبه در مواقع لازم از سؤالات

1. Braun, V. & Clarke, V.
2. Purposive sampling

کاوش‌گرانه مانند "می‌توانید در این باره هم بیشتر توضیح دهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟" جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۳۴ تا ۶۸ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده قبلی و بدون حضور فرد دیگری در مراکز مشاوره فوق‌الذکر انجام شد. همه مشارکت‌کنندگان به خاطر وقت‌گذاری در پژوهش از یک جلسه مشاوره رایگان برخوردار شدند. داده‌ها در طول یک دوره ۴ ماهه (از آذر تا اسفند) جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری شد. پیش از مصاحبه در رابطه ملاحظات اخلاقی پژوهش، در مورد هدف پژوهش و رعایت اصل رازداری اطلاعاتی به‌طور کلی، به شرکت‌کنندگان پژوهش داده شد. به‌منظور رعایت رازداری و حفظ هویت شخصی افراد، در هنگام تبدیل صوت مصاحبه به متن از نام مستعار استفاده شد. همچنین، ضمن بیان حق‌کناره‌گیری مشارکت‌کنندگان از پژوهش در هر زمان دلخواه، اجازه ضبط مصاحبه‌ها کسب شد و پس از آن بر روی کاغذ پیاده‌سازی شدند تا آماده انجام تحلیل و کدگذاری‌ها شوند. همچنین با توجه به توصیفی بودن پژوهش و رعایت اپوخه^۱ (تعلیق پیش‌فرض‌ها)، سؤالات تا حد امکان بدون جهت‌گیری و تحمیل معنا طراحی شد.

پس از اطمینان از اشباع مصاحبه‌ها و انجام مصاحبه تأییدی برای کدگذاری و تحلیل اطلاعات متناسب با روش تحلیل مضمونی از روش تحلیل شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد. به این صورت که ابتدا در مرحله آشنایی^۲، صداهای ضبط‌شده، بارها گوش داده، بر روی کاغذ پیاده شده بر و چندین بار خوانده شد. در مرحله کدگذاری^۳، جملاتی که دارای بار مفهومی بودند، برجسته شده و به‌صورت باز کدگذاری شدند. مرحله سوم جستجوی^۴ مضامین بود به این صورت که پس از کدگذاری جملات، کدهای مشابه، در یک دسته کلی‌تر طبقه‌بندی شدند تا تم‌ها یا مضمون‌ها تولید شوند. در ادامه مرور

-
1. Epiche
 2. Familiarization
 3. Coding
 4. Searching

مضامین^۱ صورت گرفت و پیش از تولید مضامین دیگر، کدها مجدد با آن مضمونی که به آن تعلق داشتند چک شدند. مرحله پنجم توصیف و نام گذاری مضامین^۲ بود. پس از تولید مضامین، به توصیف و نام گذاری مضامین پرداخته شد تا عنوانی انتخاب شود که بیشترین روشن سازی صورت گیرد و در مرحله پایانی یعنی نوشتن گزارش^۳ روایت تحلیلی، داده های روشن کننده و شواهد قانع کننده، در هم بافته شد و با استفاده از مضامین و شواهد موجود، گزارش تحلیلی در قالب یک جدول متشکل از مضامین فرعی و اصلی و هسته ای تنظیم شد که چارچوب اصلی دلایل شکل گیری تعارض در دوره عقد را نشان می دهد. به منظور صحت و اعتبار داده های پژوهش از چهار شاخص اعتبار گابا و لینکلن^۴ (۱۹۸۹) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده ها روش چک کردن با مشارکت کنندگان^۵، به کار گرفته شد. پس از تحلیل هر مصاحبه و تحلیل مضمون ها، مجدداً به شرکت کننده مراجع و صحت و سقم مضامین تأیید و یا تغییرات لازم اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت از مشورت و راهنمایی افراد متخصص در حوزه پژوهش و روش پژوهش استفاده شد. به منظور افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت های دیگر این اصل لحاظ شد که مشارکت کنندگان از یک طبقه صرفاً نباشند بلکه طبقات اجتماعی و اقتصادی و سنی مختلف برای شرکت در پژوهش استفاده شود.

یافته ها

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود، بر اساس اصل اشباع نظری ۱۶ شرکت کننده شامل ۱۱ زن و ۵ مرد با دامنه ی سنی ۱۹ تا ۳۴ سال با میانگین ۲۷ سال و ۶ ماه نمونه پژوهش

1. Reviewing themes
2. Defining and naming themes
3. Writing the report
4. Guba, E.G. & Lincoln, Y. S.
5. Member Checking

را تشکیل دادند. حداقل مدت عقد ۴ و حداکثر ۲۱ ماه بود و دامنه تحصیلات از دیپلم تا ارشد متغیر بود.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

کد	سن	جنس	تحصیلات	مدت عقد (ماه)	تحصیلات همسر
۱	۲۷	مرد	لیسانس	۹	لیسانس
۲	۲۹	زن	دیپلم	۱۱	دیپلم
۳	۲۵	زن	لیسانس	۱۲	ارشد
۴	۳۱	مرد	ارشد	۱۴	لیسانس
۵	۳۳	زن	دیپلم	۱۸	کاردانی
۶	۱۹	زن	لیسانس	۷	دیپلم
۷	۲۲	زن	کاردانی	۵	لیسانس
۸	۲۸	مرد	لیسانس	۲۱	ارشد
۹	۲۶	مرد	دیپلم	۴	لیسانس
۱۰	۲۳	زن	ارشد	۸	ارشد
۱۱	۲۵	زن	دیپلم	۱۹	لیسانس
۱۲	۳۴	مرد	کاردانی	۹	لیسانس
۱۳	۳۳	زن	ارشد	۱۳	ارشد
۱۴	۳۱	زن	دیپلم	۱۷	کاردانی
۱۵	۲۹	زن	لیسانس	۶	دیپلم
۱۶	۲۷	زن	لیسانس	۱۲	لیسانس

پس از حصول اشباع داده‌ها در فرآیند مصاحبه و تجزیه و تحلیل تجارب زیسته شرکت‌کنندگان در پژوهش، در تحلیل مصاحبه‌ها ۱۷۳ کدباز، ۲۷ مضمون فرعی، ۴ مضمون اصلی و یک مضمون هسته‌ای شناسایی شد. یافته‌ها در جدول شماره ۴-۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. مضامین استخراجی از تجارب مشارکت کنندگان

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		رگه‌های روان رنجورخویی (تکانشی بودن، پرخاشگری، بدبینی، سلطه‌جویی)
		انعطاف‌پذیری پایین
		پنهان‌کاری و صداقت کم‌رنگ
		تمایز یافتگی پایین
	نقصان شخصی	کم‌توجهی به ظاهر و پوشش
		مسئولیت‌پذیری پایین
		خود ارزشمندی کم‌رنگ
		مسئله‌گشایی ضعیف و اتخاذ تصمیم‌های هیجانی
		انتظارات نامعقول متقابل از فرد و رابطه
		توسعه ندادن توافق در امور اساسی (مالی، جنسی، تفریح، روابط با دیگران)
		تبادلات ناپخته (قهر، قاطی کردن مسائل، تلاش برای محکوم کردن یکدیگر)
		مهارت ارتباطی ضعیف
		تداوم الگوی مجردی و ضعف در اشتراک‌گذاری زوجی
		ضعف در رمزسازی با سیستم‌های برون زوجی
		گسستگی تعاملات فی‌مابین اعضای خانواده
		مثلث‌سازی والدین
		پیشینه طلاق و اعتیاد در خانواده
	نقصان	دخالت‌های نابجا و رسمیت‌بخشیدن به
	بدکارکردی	استقلال زوج
	خانواده اصلی	ضعیف بودن حمایت عاطفی و مسئله‌گشایی در خانواده
		نگرش و تعامل متقابل منفی والدین به خانواده اصلی همسر

زوج‌های متعارض در دوران عقد به دلیل نقصان چند وجهی، انطباق‌پذیری زوجی کم‌رنگی نشان می‌دهند و بجای ایجاد الگوی مکملیت زوجی، الگوی قهری تعقیب-گریز و کنترل منفی را بر رابطه حاکم می‌کنند. در نتیجه با تشدید نگرش منفی دامنه تعارض و ناامیدی تشدید می‌شود.

نقصان تعاملی

نقصان

بدکارکردی

خانواده اصلی

مضمون هسته‌ای	مضامین اصلی	مضامین فرعی
		رابطه گسسته یا درهم‌تنیده خانواده با عضو جدید (عروس/داماد)
		بیکاری و فقدان مسیر شغلی مشخص
		تنگناهای مالی-اقتصادی ناشی از شرایط پیش‌بینی نشده
		مهارت ضعیف در انطباق‌پذیری فرهنگی
	نقصان	نادیده گرفتن شرایط و اصرار در اجرای آداب و رسوم دوره عقد
	انطباق‌پذیری با زمینه‌های فرهنگی	تجمل‌گرایی و تفاوت زیاد در پیشینه فرهنگی
	اجتماعی	تأثیرپذیری از شبکه‌های اجتماعی و برون‌مرزی (اینستاگرام، ماهواره)

اولین مضمون اصلی به دست آمده به ویژگی‌های ناکارآمد فردی و نقاط ضعف شخصیتی طرفین زوج مرتبط می‌شد که تحت عنوان نقصان شخصی شناسایی شد. این مضمون، مضامین فرعی رگه‌های روان‌رنجوری، تمایل به پنهان‌کاری، انعطاف‌پذیری پایین، خود ارزشمندی کم‌رنگ، تمایز یافتگی پایین، توجه نداشتن به ظاهر و مسئولیت‌پذیری پایین را شامل شد. در ادامه نمونه‌های از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

خانم (۲۹ سال): ایشون خیلی زیاد و بیخودی گیر می‌ده و منفی فکر می‌کنه، به چیزهای بی‌ارزش و حتی خیلی جزئی... مثلاً به رنگ لباس‌هام، به ورزش رفتنم، به موهام، به این که چرا اونجا خندیدی؟ چرا جلوی فلان کس اینطوری حرف زدی؟ چرا زنگ زدم دیر جواب دادی؟ چرا توی گوشیت عکس سلفی داری؟ حتماً یک فصلی داشتی که اینکارو کردی یا حرف زدی. شوهرم انگار یاد نگرفته به ظاهرش برسه و براش فرقی نداره با چه لباسی کجا بره، کار و مهمونی یکیه، خیلی شده که نامرتب و حتی دوش نگرفته همونطوری از سرکار میاد خونه ما... شده وقتی که حتی با لباسی که روش لکه بوده دوباره همونو پوشیده و اومده و من فقط باید حرص بخورم و خجالت بکشم، بهش میگم دوباره یادش

میره و فرقی نداره... (خانم، ۲۵ سال). وقتی عصبانی می‌شه همیشه مثله دیوونه‌ها و منفجر میشه، هر چی به دهنش میاد میگه... اولش بهتر بود کمی مراعات می‌کرد و هر چی نمی‌گفت اما الان دیگه اون هم براش مهم نیست و فحشش به خودم و خانواده‌ام می‌ده و آخرشم میگه تو منو عصبانی کردی و من باید معذرت خواهی کنم.

همسرم شفاف نیست با من رو راست نیست و خیلی چیزارو نمی‌گه و من بعداً از بقیه می‌شنوم، مثلاً با خواهرش یا دوستش می‌رفت خرید و پاساژ و نمی‌گفت کجام و من بعداً می‌فهمیدم، به یکی از دوستاش پول قرض داده و نگفت، توی یک کاری سرمایه‌گذاری کرده و من بعدش از مادرش فهمیدم (آقا، ۳۴ ساله). شوهرم انگاری اختیاری از خودش نداره، هر چی مادرش و خواهرش بگه، اونا میگن کجا بریم و کی بریم و کجا نریم... مثلاً رفته بودیم بیرون و قرار بود شام بیرون بخوریم حتی رفتیم رستوران و مادرش بهش زنگ و انگار نه انگار بیهو گفت بلندشیم بریم خونه... مادرش ناراحت شده که رفتیم رستوران و بهشون نگفتیم (خانم، ۲۳ سال).

مضمون اصلی دوم به دلایل ناشی از چگونگی رابطه زوجی (نقصان تعاملی) مرتبط شد. عواملی مرتبط با ضعف‌های رابطه زن و شوهر که در نمونه‌های شناسایی شده و در ادبیات مربوط به خانواده و ازدواج (نظریه‌ها و پژوهش‌ها) مورد تأکید بوده است که به مصادیقی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ما زیاد قهر و دعوا داریم، دو سه روز خوییم دوباره یکی هفته قهریم... همسرم چندسال از من بزرگتره ولی جووری برخوردار می‌کرد که انگار من بچه شم و کودکم، همش امر و نهی می‌کرد، بکن و نکن داره، تعیین می‌کنه کجا برم کجا نرم، چی بپوشم و چطور حرف بزنم... فقط می‌خواه حرف خوش باشه خیلی سعی کردم مطابق میلش باشم ولی همش ناراضیه و منم دیگه اذیت شدم و همه رو به

خانوادم میگم و خودشونم فهمیدن و پدرم گفته تا دیر نشده جدا شیم بهتره (خانم ۱۹ ساله).

ما بلد نیستیم چطوری حرف بزیم دعوامون نشه تا من به اشتباهی یا ایرادی می‌گیرم بهش اون ده تا میزازه روش از من ایراد می‌گیره، جنبه انتقاد نداره و من هیچی نباید بگم و فقط باید ارزش تعریف کنم که دعوامون نشه... این تازگی توی گوشیش به عکس بدی رو دیدم وقتی بهش گفتم کلی عصبانی شد و داد و بیداد کرد که چرا توی گوشی من رفتی و گفت جدا شیم و تایک هفته قهر بودیم... (خانم، ۳۳ سال).

ایشون شرایط منو درک نمی‌کنه من توی خانوادم یاد گرفتم که زن و مرد کمک حال هم هستن ولی همسرم براش مهم نیست که الان در چه وضعیتی هستیم، بخاطر این شرایط کرونا کاسبی خیلی بهم ریخته و بعضی وقت‌ها دستمزد کارگرا هم میمونه عقب ولی ایشون همش بدهکارشم و فقط بیرون رفتن یعنی خرید، ازین تولد به اون مهمونی، دنبال ولخرجی و کلاس گذاشته، نظر دوستاش براش مهمتره تا نظر و شرایط من... (آقا، ۲۸ ساله).

مسائل مرتبط با نقایص خانواده اصلی که بیرون از مسائل سیستم زن‌شوهری است اما بر چگونگی کیفیت دوره عقد اثرگذار است مضمون اصلی سوم را شکل دادند. مسائلی همچون گسستگی روابط خانوادگی، سابقه طلاق در خانواده، مثلث سازی‌ها، رابطه متعارض والدین با خانواده‌های اصلی طرفین، دخالت‌های نابجا و کمرنگ بودن حمایت‌گری عاطفی مضامین فرعی را پدید آوردند.

اولش متوجه نشدیم اما بعدش دیدم که رابطه خانوادشون با هم خوب نیست، بیشتر وقت‌ها با هم سرسنگینند، پدر و مادرش خیلی کم با هم حرف می‌زنند، هر کی مشغول خودشه، برخلاف خانواده ما که هوای همو داریم ولی اینا سردند و حتی مادرش میگه چند سال که با خانواده شوهرش رفت و آمد ندارند...

الان همسرم انگاری داره پا میزازه جای مامان و باباش و رابطه‌اش با خانواده من خیلی سرد و وقتی میاد اونجا همش توی خودشه و ناراحت (خانم، ۲۷ سال).

پدرش و مادرش چند سال پیش جدا شدند و پدرشون یک زن دیگه گرفته و کلاً جداست... سر هر موضوعی تا بحثمون بالا می‌گیره انگار هیچ راه حل دیگه بلد نیست یا عصبانی شدن و بلاک کردن من یا اینکه ادامه ندیم و طلاق بگیریم تا حالا این حرف رو (طلاق) چند بار زده و من هیچ اطمینانی به خودمون ندارم که بعدش بریم توی زندگی خودمون شرایط بدتر نشه... (خانم، ۲۵ سال).

پدر و مادرش توی همه کارهای ما هستند، می‌ریم بیرون چند بار زنگ می‌زنند، کمی دیرتر می‌ایم از من ناراحت میشن و انگار نه انگار که ما عقد کردیم و زن و شوهریم... مادرش همه چیز مارو می‌دونه و می‌دونم که ملدام می‌پرسه از خانمم و اونم عادت داره به گفتن... حتی من دامادمون سر یک معامله‌ای با برادرش دعواش و بحثشون شده و من اینو برای مثالی بهش گفته بودم بعد دیدم خانواده‌اش خبر دارنند، توی خصوصی‌ترین چیزها هم مادرش خبر داره، اینکه ما پیش هم خوابیدیم یا نه؟ چکار کردیم... خانم، ۳۳ ساله).

مضمون اصلی چهارم به نقص در انطباق‌پذیری زوج با شرایط فرهنگی اجتماعی طرفین مربوط شد. هر شخصی در یک بافت و پیشینه فرهنگی اجتماعی خاص خانواده خود پرورش یافته است، انتظارات، ارزش‌ها، باورها و آداب و رسوم فرهنگی اجتماعی بخشی از واقعیت فرد است. انطباق‌پذیری با شرایط فرهنگی اجتماعی متفاوت بخشی از تکالیف زن و شوهری و آمادگی در دوره عقد است اما چنانچه در این زمینه توانمندی و مهارت‌ها گسترش نیابد، فرصت غنی‌سازی رابطه ناشی از تفاوت‌ها به تهدید تعارض زناشویی تبدیل می‌شود. نمونه‌هایی از مصادیق مشارکت‌کنندگان در رابطه با این مضمون ارائه شده است:

چند ماه عقد کردیم و اولش گفتند که مستقل پیش پدرش در بازار کار می‌کنه اما فهمیدم که خیلی کار مشخصی نداره و در اصل پدرش خرجشو می‌ده، در هفته چند ساعتی بیشتر سرکار نمی‌ره و هر وقت زنگ می‌زنم بهش خونه اس یا پیش دوستاش و بیشتر وقت هاش رو با دوستاش می‌گذرونه... وقتی کار مشخصی نداره برنامه و هدفی هم نداره و این مسئله اصلی ماست (خانم، ۲۶ سال).

پول خرج کردن توی خونه ما خیلی راحت و عادیه ولی توی خانواده همسرم خیلی حساب کتاب دارند و فقط به فکر جمع کردن و ملک خریدن هستن، بعد برای رستوران و مسافرت و لباس پول ندارند و اهمیت نمی‌دهند، توی یک یک و نیم سال عقد فقط یکبار منو دعوت کردند خونشون و همون پاگشا بود و دیگه هیچی و فقط خودم رفتم و دیگه مدتی نمی‌رمم، شاید باورتون نشه ولی تا حالا دوتا ماتو خریده و بهش میگم میگه زیادم هست و اصرافه (خانم، ۲۵ سال).

ایشون زندگیش رو شاخ‌های اینستا می‌چرخونه، کادوی تولد، خرید لباس، کجا رفتن، هر روزی به جور مد، انتظارات بی جا... گوشیش نو و سالم بوده ولی قهر کرد و آشتی نکرد تا براش جدیدشو گرفتیم... ما اصلاً سبک زندگیمون و خانواده‌هامون خیلی فرق دارد (آقا، ۲۷ سال).

بحث و نتیجه‌گیری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتایج حاصل از مطالعه کیفی دلایل تعارض زناشویی در دوره عقد نشان داد وجود نقصان چهارگانه (۱) فردی، (۲) تعاملی، (۳) خانوادگی اصلی و (۴) انطباق‌پذیری ضعیف با زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، دلایل عمده شکل‌گیری تعارض از دیدگاه زوج‌های متعارض در دوره عقد محسوب می‌شود. زوج‌های متعارض در دوران عقد به دلیل این نقصان چندوجهی، انطباق‌پذیری زوجی کم‌رنگی نشان می‌دهند و بجای ایجاد الگوی مکملیت زوجی، الگوهای مخرب تعقیب-گریز و کنترل منفی را بر رابطه حاکم می‌کنند. این الگوها با تشدید نگرش منفی متقابل، به گسترش دامنه تعارض منجر می‌شود. دلایل چهارگانه

شناسایی شده این پژوهش با نتایج مطالعات محسن زاده (۱۳۹۲)، اسمعیلی و دهدست (۱۳۹۳)، آراین فر و پورشهریاری (۱۳۹۶)، کلایی، خدادادی سنگده و گوهری (۱۳۹۹)، محمودپور، دهقانپور، یوسفی و ایجادی (۱۳۹۹)، رحمتی، احمدبرآبادی و حیدرنیا (۱۳۹۹)، بوراک و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، خالصی، سیمبار و آذین (۲۰۱۷)، سامر و جاستینو (۲۰۱۵)، آماتو و چیدل^۲ (۲۰۰۸) و اولسون، لارسون و اولسون^۳ (۲۰۰۹) همخوانی نشان می دهد.

اولین مضمون اصلی شناسایی شده بر نقصان فردی زوجین متمرکز بود. این نقصان شامل خصایص و ویژگی های منفی است که طرفین با خود وارد ازدواج می کنند و می تواند احتمال فروپاشی رابطه را افزایش دهد. نقایصی همانند داشتن ویژگی های روان رنجوری، تمایل به پنهان کاری، انعطاف پذیری ضعیف، خود ارزشمندی کم رنگ، تمایز یافتگی پایین، توجه نداشتن به ظاهر و مسئولیت پذیری پایین نقصان فردی را شکل دادند. بر اساس گواهی متعدد متون علمی حوزه ازدواج خصایص فردی نقش معنی داری در چگونگی کیفیت زندگی زوجی ایفا می کند. برای مثال مطالعه ای روی پنجاه هزار زوج آمریکایی نشان داده است که ویژگی های فردی یک عامل تمیز دهند بسیار قوی برای تفکیک زوج های موفق و ناموفق است. زوج های ناموفق خصوصیات روان رنجورانه مانند بدبینی، گوشه گیری، بی ثباتی و سلطه جویی بیشتر و در مقابل زوج های موفق همراهی و همدلی، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری و خوش بینی بیشتری نشان می دهند (اولسون، لارسون و اولسون، ۲۰۰۹). مطالعات داخلی نیز بیانگر این مهم هستند. خصایص فردی مانند انعطاف پذیری، مهربان بودن، اجتماعی بودن، با وجدان بودن و داشتن اعتماد به نفس با ثبات زندگی زناشویی (کریمی ثانی و همکاران، ۱۳۹۲) و ویژگی های ناسازگارانه ای مانند تکانشگری، بدگمانی، ضعف اعتماد به نفس و فقدان استقلال (محسن زاده، ۱۳۹۲) با فروپاشی سیستم ازواج در ارتباط است.

1. Burack et al.

2. Amato, P. R. & Cheadle, J. E.

3. Olson, D. H. Larson, P. J. & Olson-Sigg, A.

در ارتباط با تبیین اثر نقصان فردی می‌توان بیان کرد که مسئولیت‌گریزی، تکانش‌گری و بدگمانی مانع تداوم مذاکره و تعاملات زناشویی شده و باعث تلبار شدن احساسات خشم، درماندگی و در نتیجه تشدید تدریجی تعارضات زناشویی می‌گردد. فاطیما و اجمل^۱ (۲۰۱۵) معتقدند افراد مسئولیت‌پذیر، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش‌های هدفمند بیشتری را انجام می‌دهند. درحالی‌که افراد روارنجورخو بالاخص بدبین از پشت عینک بدگمانی به دنیا می‌نگرند پشت همه رویدادها و روابط، سایه‌ای از بدبینی و توطئه می‌بینند و چنین می‌پندارند که قصدی برای فریب و ضربه زدن به آن‌ها وجود دارد. این افراد دیدگاهی منفی به اطرافیان دارند و بر نادرستی و خطاکاری دیگران بیشتر از درستی و حسن نیت آنان باور دارند. وجود چنین نگرشی در رابطه زناشویی، مانع شکل‌گیری یک رابطه اعتماد‌آمیز می‌شود که شاید اثرگذارترین منبع بین فردی اثرگذار بر شکست ازدواج است. مسئولیت‌پذیری کم‌رنگ موجب ادراک نگرانی و ناامنی نسبت به آینده در همسر می‌شود و این فضای تنهایی را در مسیر زندگی مشترک پررنگ می‌سازد (هلم و کارلسون^۲، ۲۰۱۳). ضعیف بودن عزت‌نفس و بی‌توجهی به خویش‌ن شدن تعاملات بین فردی را کاهش می‌دهد، رفتارهای انزوا و منفعلانه را در تعاملات اجتماعی شکل می‌دهد، فرد درگیر دور باطلی از رفتارهای معیوب می‌شود و این امر زمینه وابستگی فکری و رفتاری به دیگری از جمله همسر و خانواده‌های اصلی در دوره عقد را گسترش می‌دهد و الگوی رابطه والد-فرزند را در روابط زوج حاکم می‌کند (آماتو و چیدل^۳، ۲۰۰۵). تمایز یافتگی شاخص مهمی در تعیین کیفیت زناشویی به حساب آورده می‌شود به گونه‌ای که زیربنای ازدواج موفق با تمایز یافتگی زوجین همبستگی بالایی دارد (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷). تمایز یافتگی فرایند بودن در سیستم‌های عاطفی بدون از دست دادن موضع خویش‌ن شدن است. افراد با تمایز یافتگی پایین در تصمیم‌گیری‌ها بالاخص در شرایط تعارض قادر به مذاکره با همدیگر و اعتماد به قابلیت‌های واحد دوتایی در اتخاذ تصمیمات مناسب

-
1. Fatima, M. & Ajmal, A.
 2. Helm, K. M. & Carlson, J.
 3. Amato, P. R. & Cheadle

نیستند، میل به گسستگی نشان می‌دهند و یا و یک یا هر دو طرفین تلاش می‌کنند تا خانواده اصلی خود را قاطی همه مسائل خود کنند. همین شرایط باعث ایجاد شکافی عمیق بین زن و شوهر شده و تعارضاتی جدی را به بار می‌آورند؛ بنابراین منطقی است که چنین نقایص شخصی وقتی وارد رابطه زوجی می‌شود، به ایجاد و تشدید تعارض در دوره عقد می‌شود.

مضمون اصلی دوم به دلایل ناشی از چگونگی رابطه زوجی (تعاملی) مرتبط شد. مسئله گشایی ضعیف و اتخاذ تصمیم‌های هیجانی، انتظارات نامعقول متقابل از فرد و رابطه، توسعه ندادن توافق در امور اساسی، تبادلات ناپخته همچون (قهر، قاطی کردن مسائل، تلاش برای محکوم کردن یکدیگر)، مهارت ارتباطی ضعیف، تداوم الگوی مجردی و ضعف در اشتراک‌گذاری زوجی و ضعف در مرزسازی با سیستم‌های برون زوجی تحت عنوان نقصان تعاملی دسته‌بندی شدند. آشکار است که زوجین رضایتمند از مهارت حل تعارض سازنده برخوردارند (اسمعیلی و دهدست، ۱۳۹۳). سبک حل تعارض سازنده این‌گونه است که گفت‌وگو می‌شود، مسئله شناسایی می‌شود، انعطاف‌پذیری حفظ می‌شود، تعامل همراه با تمایل برای یادگیری و در رأس قرار دادن رابطه و نه افراد است (محمودپور، دهقانپور، یوسفی و ایجادی، ۱۳۹۹)؛ اما مبتنی بر تجارب مشارکت‌کنندگان این پژوهش، ضعف در مهارت مسئله‌گشایی باعث به‌کارگیری راهبردهای هیجانی، آنی، بدون بررسی و شناخت مسئله می‌شود. با اضافه شدن نادیده گرفتن مشارکت و هم‌فکری طرف مقابل در حل مسئله، اختلاف و کشمکش بیشتر بر رابطه حاکم می‌شود. در این شرایط وقتی دیگری به اعتراض می‌پردازد، طرف مقابل با تصور دیده شدن تلاش‌ها برای حل مسائل، به رفتارهای قهری همانند کناره‌گیری، ترک محیط، لجاجت کردن جهت تنبیه کردن همسر روی می‌آورد. تخریب‌گری، زیرسؤال بردن و کاربرد تعابیر منفی درباره همسر تبدیل به یک امر معمولی در رابطه می‌شود و رفته‌رفته تعهد و پیوند در رابطه را از بین می‌برد و این وضعیت به تضعیف ارتباط زوج منجر می‌شود (هلم و کارلسون، ۲۰۱۳). بجای تقویت حمایت‌گری، مهارت‌های گفت‌وگوشنود، گوش‌داده فعال، همدلی و هم‌فهمی،

طرفین تلاش می‌کنند دیدگاه خود را اثبات کنند و دیگری را مقصر و محکوم کنند. این شکل از ارتباط زوج را از یکدیگر دور می‌کند، چرخه تعاملات منفی را ایجاد می‌کند، سازوکارهای حمایتی آن‌ها را خنثی می‌کند، توافق بر سر موضوع‌های اساسی به شدت کم‌رنگ می‌شود و در مجموع اثرات بدی را بر سلامت روابط زوجین می‌گذارد (خدادادی سنگده، کلایی و گوهری، ۱۳۹۹).

واقعیت امر این است که با گذشت زمان، زوجها باید با مشکلات روزافزونی که در زندگی با آن مواجه‌اند، دست‌وپنجه نرم کنند و برای این مهم لازم است زوج یک چتر حمایت‌گری متقابل و عمل کردن به صورت یک تیم را در رابطه خود گسترش دهند (کارلسون و اسپیری، ۲۰۱۲)، زوج‌هایی که مهارت کافی در مدیریت مشکلات پیش‌بینی‌نشده را ندارند اغلب از الگوهای رفتاری استفاده می‌کنند که در نهایت منجر به تخریب رابطه می‌شود. این الگوهای منفی می‌تواند شامل تشدید مشکل، بی‌اعتبار کردن یکدیگر، اصرار/انکار و تعابیر و برداشت‌های منفی باشد. هنگام بروز مشکلات، زوجها با نظرات و پاسخ‌های بسیار منفی به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند و این باعث عصبانیت و ناامیدی رو به افزایش آن‌ها می‌شود. بی‌اعتبارسازی زمانی رخ می‌دهد که یک طرف دیدگاه، افکار، احساسات و یا شخصیت طرف دیگر را بی‌اعتبار و لکه‌دار می‌سازد. اصرار/انکار به معنای بی‌اعتنایی یا بی‌میلی به صحبت کردن درباره مسائل مهم است. تعابیر و برداشت‌های منفی زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد همواره باور دارد که انگیزه طرف مقابل، منفی‌تر از آن است که در واقعیت نشان می‌دهد. پس از گذشت زمان این کشمکش و درگیری مدیریت‌نشده باعث فرسایش رابطه می‌شود و در نهایت، جلوه زوجها در چشم یکدیگر با درد و ناامیدی پیوند می‌خورد و دیگر نشانه‌ای از حمایت، لذت و علاقه در رابطه آن‌ها دیده نمی‌شود (دیویس، لبو و اسپرنکل، ۲۰۱۲). همچنین می‌توان بیان داشت حرکت در مسیر سهم‌گذاری و توافق در مورد مسائل مهم زندگی مانند اهداف، مدیریت مالی، اوقات فراغت و چگونگی ارتباط با خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در ثبات و تحکیم رابطه در دوره عقد دارد. چراکه این توافق و سهم‌گذاری موجب می‌شود زن و شوهر مانند

یک تیم عمل کنند، نسبت به ادامه رابطه بسیار دلگرم باشند و از مشارکت و تعامل مشترک بیشتری برخوردار باشند؛ بنابراین قابل پذیرش است که مهارت ارتباطی و مسئله گشایی ضعیف، باعث می شود زوج روی مسائل مهم به توافق نرسند و اشتراک کم رنگ شود. در این شرایط ادراک بیشتری از بیگانگی، ناامیدی و دوری از هم را تجربه کنند و این وضعیت در تمایل به کناره گیری و تداوم سبک زندگی مجردی بسیار مؤثر است و در نتیجه زوج در یک جدال باخت-باخت گیر می افتند.

در رابطه با نقش نقصان خانواده اصلی می توان اذعان داشت ساختار و وضعیت خانواده های اصلی رابطه معناداری با کیفیت زناشویی فرزندان دارد. خانواده های ناکارآمد، گسسته و درهم تنیده در فرآیند ازدواج فرزندان طوری عمل می کنند که احتمال آشفتگی زناشویی آنها افزایش می یابد (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷). در بافت فرهنگ ایرانی، زن و شوهر تنها با یکدیگر ازدواج نمی کنند بلکه با مجموعه ای جدایی ناپذیر ازدواج می کنند که شامل همسر و خانواده وی خواهد بود. در واقع، ازدواج به منزله پیوند دو خانواده در نظر گرفته می شود و تنها به عنوان پیوند یک زن و یک مرد قلمداد نمی شود. به نظر می رسد که احساس مالکیت دائمی خانواده ها نسبت به فرزندان می تواند به مرزهای زناشویی تجاوز کرده و موجبات تضعیف رابطه عروس/داماد را با خانواده همسر فراهم آورد (چراغی، ۱۳۹۳).

طبق این مطالعه الگوگیری محض یک یا هر دوی طرفین از رفتارها و باورهای حاکم بر خانواده اصلی و به کارگیری سخت گیرانه و انعطاف ناپذیر این الگوها در رابطه از دلایل عمده ایجاد تعارض در دوره عقد محسوب شد. غالباً افرادی که با تمایز یافتگی بالاتری ازدواج می کنند الگوهای رفتاری حاکم بر خانواده اصلی همسرشان را به دقت تحت نظر قرار می دهند، درباره این الگوها به قضاوت و نقادی می پردازد، الگوهای مناسب و نامناسب را شناسایی می کنند و تلاش می کنند تا الگوهای نامناسب در زندگی زناشویی آنها تکرار نشود؛ اما در افراد با تمایز یافتگی پایین تکرار الگوهای حاکم بر خانواده اصلی بسیار محتمل است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۰). از این رو زمانی که یکی از طرفین به نحوی

رفتار می‌کند که طرف مقابل احساس کند تکرار همان الگوهای نامناسب خانواده اصلی است با حساسیتی خاص درصدد مقابله برمی‌آید و بسته به میزان اصرار طرفین بر مواضع خویش تعارضاتی با شدت و ضعف متفاوت در رابطه زناشویی بروز می‌کند. در واقع، سرایت و تکرار این الگوهای نامناسب رفتاری مشکل‌زا هستند و حساسیت همسر به تکرار این الگوها نیز بر شدت مشکل می‌افزاید. می‌توان بر اساس نظریه‌های سیستمی (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷) چنین استدلال کرد که از دیدگاه ساختاری، مرزها در سیستم زناشویی موفق سخت و نفوذناپذیر و یا گسسته نیستند، تصریح مرزها برقرار است، به جای مرزهای خشک و درهم‌تنیده مرزهای روشن و مشخص حاکم است، مثلث سازی‌های پاتولوژیک وجود ندارد، اعضای خانواده به هنگام مواجهه با یک مسئله واکنش شدید و یا بی‌تفاوتی نشان نمی‌دهد، حمایت عاطفی متناسب با دوره‌های تکاملی اعضاء تغییر می‌کند اما پابرجاست و به همین دلیل عملکرد زیر منظومه‌ها متعادل و کارآمد است و میان آن‌ها تعامل و انعطاف‌پذیری وجود دارد. مرزهای نامشخص بین زوجین و خانواده‌های اصلی در این پژوهش موجب افزایش آمیختگی اعضا با یکدیگر شده است و در این صورت منظومه زوجی قادر نیست استقلال خود را نسبت به خانواده اصلی حفظ کند (والتن و تاکوچی، ۲۰۱۰)؛ بنابراین می‌توان گفت که ازدواج در فرهنگ ایرانی، با الگو و مفهوم ازدواج در جوامع غربی تا حد زیادی متفاوت است. زوجین ایرانی، علیرغم اینکه خانواده اصلی خود را پس از ازدواج ترک می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که پیوندهای عاطفی محکمی در پیش از ازدواج و حتی پس از آن، با خانواده اصلی خود دارند. کیفیت ارتباط با خانواده همسر، یکی از مهم‌ترین عوامل در رضایت زناشویی زوج (عروس/داماد) تلقی می‌شود و چنانچه رابطه با خانواده همسر دارای تعارض باشد، تأثیر مستقیمی بر کیفیت رابطه زوجی می‌گذارد (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی، ۱۳۹۴).

ضعف در انطباق‌پذیری با شرایط فرهنگی اجتماعی دلیل عمده دیگر بیان شده است. رابطه زوجی برای پیشرفت و تکامل خود نیازمند به انطباق‌پذیری طرفین است. چنانچه زوج

قابلیت وفق دادن خود با شرایط جدید را توسعه ندهند از جهات مختلف دچار تعارض می‌شوند. رشد انطباق‌پذیری با تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی عاملی است که می‌تواند به افزایش کیفیت زندگی زناشویی منجر شود و بالعکس. از دیگر یافته‌های نو و نکات برجسته این مطالعه این واقعیت است که بیش از اینکه تفاوت در پیشینه فرهنگی و اجتماعی موجب تعارض شود، ضعف در نگرش و مهارت انطباق‌پذیری طرفین زوج موجب ایجاد و تشدید تعارض می‌شود.

مشکلات ناشی از بی‌ثباتی در حوزه شغل و درآمد در پدید آبی تعارض دوره عقد نقش دارد. باید توجه داشت که بیکاری و فقر مالی غالباً با فقرها و دشواری‌های دیگری نیز همراه است و از طریق مکانیسم‌های مختلفی به شکست ازدواج کمک می‌کند. مشکلات متعاقب این امر و فشارهایی که بر زوج وارد می‌شود باعث مقصر دانستن همسر و رفتارهای سرزنش‌گرانه می‌گردد و ایجاد یا تشدید تعارضات زناشویی را سبب می‌شود. از سوی دیگر ناتوانی مالی زوج زمینه را برای دخالت بیشتر خانواده‌ها مساعد می‌سازد. زوج‌هایی که از خانواده‌های اصلی کمک مالی دریافت کرده بودند و به‌ویژه بر مبنای تأمین زندگی توسط خانواده وارد زندگی مشترک شدند و استقلال مالی کم‌رنگی دارند در معرض آسیب‌پذیری و تعارض بیشتری قرار گرفته بودند، چراکه نیازهای مالی واحد دوتایی با نیازهای خانواده اصلی بشدت تداخل پیدا می‌کند و این مسئله تعارض بین نسلی و تنش زوجی را بالا می‌برد.

زندگی واقع‌بینانه و تصمیم‌گیری مشترک مبنی بر واقعیت‌های شرایط زوج نه بر مبنای آرزوها و ایده آل‌ها بر چگونگی رابطه زوج در دوره عقد و پس از آن بسیار تأثیرگذار است، از درگیر ساختن خانواده‌ها و زوج با فشارهای ناشی از تأمین امکانات غیرضروری جلوگیری می‌کند و فرصت بیشتری را پرداختن به مسائل مهم‌تر را فراهم می‌سازد. اصرار بر الگوگیری از سبک دنیای مجازی و تمایل به زندگی طبق مد روز باعث می‌شود دیدگاه افراد از یک زندگی معقول، با ثبات و سالم تغییر کند و مشکلات متعددی در زمینه‌های مختلف و در نتیجه افزایش اختلاف و تعارض را تجربه کنند. سبک زندگی

تجمل‌گرایی و اصرار بر انجام مراسم‌های خاص جهت جلوگیری از نگرش منفی و حرف مردم، با افزایش نارضایتی و تنش‌ها همراه است و زمینه ناکارآمدی خانواده را موجب می‌شود. در همین راستا خدادادی سنگده، نظری، احمدی و جعفری (۱۳۹۴) در مطالعه خود بر روی ۸۵۳ زوج تهرانی نشان دادند که بیشتر زوجین رضایت‌مند، تمایل به ساده‌زیستی و اجتناب از مدگرایی و تجمل‌گرایی نشان می‌دهند. آن‌ها این عامل را که حاکی از اثرات فرهنگی بر سبک زندگی خانواده است را مؤثر بر رضایت خود از ازدواج می‌دانستند و این مفهوم را با تعابیر متعدد قناعت داشتن در زندگی، علاقه نداشتن به پیگیری مُد و بی‌اهمیت بودن تجملات زندگی مطرح می‌کردند؛ بنابراین ضعف در انعطاف و انطباق‌پذیری، میزان همراهی و مشارکت زوج را کم‌رنگ می‌کند. زوج و خانواده‌ها بجای پذیرش تفاوت‌ها و تلاش بر کنار آمدن با تفاوت و گسترش نگرش فرهنگی و اجتماعی سعی بر تغییر و تحمیل چارچوب ذهنی خود بر دیگری دارند و این خود فشارهای مضاعف بر رابطه وارد می‌کند و در نتیجه زوج به‌جای اینکه صرف رشد و تعالی شود، بر خشونت، تحقیر، مقصر دانستن یکدیگر، ناامیدی و در آخر فاصله‌گیری و تهدید و اقدام به جدایی متمرکز می‌شود. در نتیجه اینکه می‌توان گفت بر اساس این مطالعه تعارض زوج‌ها در دوره عقد از چهار نقص جدی فردی، تعاملی، خانوادگی و انطباق‌پذیری اجتماعی فرهنگی سرچشمه می‌گیرد. این نقصان موجب می‌شود زوج بجای حرکت در مسیر سازگاری، حمایتگری و تیم‌سازی در مسیرهای انحرافی فاصله‌گیری، متهم‌سازی، درهم‌تنیدگی با خانواده حرکت می‌کنند و بجای ایجاد الگوی مکملیت زوجی، الگوهای مخرب تعقیب-گریز و کنترل منفی را بر رابطه حاکم می‌کنند. به دنبال این وضعیت زوج تعارض شدیدتر، حالت‌های ناخوش عاطفی و ایجاد شک نسبت به تداوم رابطه را تجربه می‌کنند.

این پژوهش به‌نوبه خود دارای محدودیت‌هایی است. از محدودیت‌های قابل توجه پژوهش حاضر این است که نمونه مورد مطالعه از زوج‌های متعارض در دوره عقد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران بودند، لذا تعمیم این نتایج به همه زوج‌های متعارض دیگر مستلزم رعایت احتیاط است. روش مصاحبه نیمه ساختارمند و نمونه‌گیری

در دسترس دارای محدودیت‌های ذاتی خود هستند. از سوی دیگر تعارض زوج در عقد از دلایل دیگری اثرپذیر است که در این پژوهش به دلیل عدم شناسایی حاصل از تجارب افراد به آن‌ها پرداخته نشده است. با این حال یافته‌ای این مطالعه می‌تواند دستمایه پژوهش‌های دیگر جهت دستیابی به اطلاعاتی جامع در رابطه با دوره عقد باشد. مفاهیم مهمی همچون انطباق‌پذیری چندوجهی، توافق‌پذیری، اوقات فراغت، مدیریت مرزهای سیستم برون زوجی، فضای مجازی، نگرش به خانواده همسر نیازمند واکاوی و روشن‌سازی است که پژوهش‌های مجزا را می‌طلبد.

با توجه به نتایج این پژوهش و در راستای حمایت از تحکیم ازدواج پیشنهادهایی عرضه می‌شود. پیشنهاد اول اینکه یافته‌های این مطالعه لزوم گسترش مشاوره پیش از ازدواج را از دوره آشنایی تا بعد از عقد را تأکید می‌کند. عمدتاً مشاوره‌های پیش از ازدواج به قبل از عقد منتهی می‌شود و زوج بعد از عقد رها می‌شوند و تا زمانی که دچار مسئله جدی نشوند به مشاوره رجوع نمی‌کنند، از این رو پیشنهاد می‌شود جلساتی مشاوره بعد از عقد از همان ابتدا در ساختار مشاوره پیش از ازدواج باشد. گسترش فرایند مشاوره به جلساتی بعد از عقد و پررنگ‌تر شدن نقش مربی‌گری مشاور ازدواج پیشنهاد جدی این مطالعه است. ناآگاهی از فلسفه دوره عقد و تکالیف لازم در این دوره زیربنای شکل‌گیری برخی از تعارض‌هاست. بر این اساس پیشنهاد دوم شامل این نکته است که در دوره عقد لازم است به آگاهی بخشی و شناخت نقش و ماهیت دوره عقد در سطح خرد و کلان به زوج‌ها بیشتر توجه شود. پیشنهاد مهم دیگر این پژوهش متمرکز بر این است که دوره عقد، پلی بین دوران مجرد و شروع زندگی مشترک در زیر یک سقف است و چالش‌ها و تکالیف مربوط به این دوران، ترکیبی از چالش‌ها و تکالیف حل‌نشده دوران مجرد و چالش‌ها و تکالیف رشدی مربوط به شروع زندگی مشترک است. مشاوره‌های پیش از ازدواج رایج بجای پرداختن به گسترش مهارت انطباق‌پذیری بیشتر متمرکز بر نگرش کفویت و تشابه در ازدواج است در حالی که واقعیت نشان‌دهنده این است که دیدگاه ازدواج بر مبنای همسانی با محدودیت‌های جدی همراه است. لذا برنامه‌های آموزشی و

مشاوره‌ای بجای تمرکز صرف بر اصل همسانی لازم است توجه زیادی به اصل انطباق‌پذیری چندوجهی داشته باشد و با محوریت کمک به مهارت سازگاری و انطباق‌پذیری با شرایط متغیر فرایند مشاوره پیش رود. توجه به ضرورت رشد انطباق‌پذیری فرهنگی و اجتماعی در ازدواج، تحلیل و بینش یابی نسبت به نقص‌های شخص و خانوادگی قبل از ورود به ازدواج، لزوم فاصله‌گیری از ایده‌ال محوری در رابطه زن‌وشوهری و حاکم کردن واقع‌گرایی، اهمیت کیفیت ارتباط با خانواده اصلی خود و همسر و تلاش برای ارج نهادن به اشتراک‌گذاری و توافق برای رسیدن به الگوی مکملیت زوجی یافته‌های کاربردی است که کمتر در مباحث مهارت افزایی در دوره عقد به آن توجه شده است و هرکدام از این مفاهیم نیازمند روشن‌سازی علمی است که پژوهش‌های خاص خود را می‌طلبد و این مطالعه آگاهی بخشی برای استفاده از خدمات مشاوره‌ای در حین عقد را گوشزد می‌کند چرا که اهمیتی که به مشاوره قبل از ازدواج داده می‌شود به حین عقد داده نمی‌شود.

منابع

- اسمعیلی، معصومه؛ و دهدست، کوثر. (۱۳۹۳). ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج). فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده؛ ۴(۲): ۴۴۵-۴۰۵.
- افشاریان، ندا؛ درتاج، فریبرز؛ سعدی پور، اسماعیل؛ دلاور، علی؛ شریعتی، صدرالدین. (۱۴۰۰). ارائه الگوی مفهومی شناسایی ادراک عشق ورزی در دانشجویان مرد. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۴۷، صص ۱۲۳-۱۶۰.
- آرین‌فر، نیره؛ پورشهریاری، مه‌سیما (۱۳۹۶). مدل ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۲۹، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- پورمحسنی کلوری، فرشته. (۱۳۹۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری. ۶(۱)، ۳۲-۱۷.
- چراغی، مونا؛ مظاهری، محمد علی؛ موتابی، فرشته؛ پناغی، لیلی؛ صادقی، محمد صادق. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متأهل ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۱(۱)، ۳۲-۷.
- خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی محمد؛ احمدی، خدابخش و حسنی، جعفر. (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق: مطالعه اکتشافی. فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان. ۹: ۲۵-۲۴.
- خدادادی سنگده، جواد، کلائی، اعظم و گوهری پور و مرتضی. (۱۳۹۴). تدوین الگوی مفهومی رضایت از ازدواج در بستر خانواده سالم مبتنی بر بافت فرهنگی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۴۱، صص ۲۷-۶۰.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۷). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نشر نگاه دانش.

دهقان تنها، ریحانه؛ آیتی، محسن؛ شهابی زاده، فاطمه. (۱۳۹۲). کارکرد خانواده و جهت‌گیری مذهبی؛ ارائه الگوهای نگرش به ارتباط پیشاز ازدواج و پیامدهای آن در دانشجویان دارای

ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف. روان‌شناسی دین، ۶(۳)، ۸۱-۹۵.

رحمتی، مریم؛ احمد برآبادی، حسین و حیدرینیا، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر برنامه غنی‌سازی روابط زوجین مبتنی بر طرح "وقت زندگی بهتر برای زن و شوهرها" بر سازگاری زناشویی زنان

با ازدواج زودهنگام. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۱): ۲۳۵-۲۵۸.

رسولی، یوسف، فلاحت عنایت‌الله. (۱۳۹۲). تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج، ارمغان دانش. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، دوره

۱۸، شماره ۱۰.

رضوی، سید حسین، جزایری، رضوان سادات، احمدی، سید احمد؛ و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۹).

مقایسه تأثیر برنامه آماده‌سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل اولسون و بسته مشاوره پیش

از ازدواج بومی بر مشکلات دوران عقد زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۵(۵۸)، ۱۸۱-

۱۹۵

سازمان ثبت احوال کشور (بی تا). بازیابی شده در ۱۰/۰۸/۱۳۹۷، از

<http://www.sabteahval.ir>

فتحی، الهام، اسمعیلی، معصومه. فرح بخش، کیومرث. دانش‌پور، منیژه. (۱۳۹۴). «حیطه‌های

تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایت‌مند». فصلنامه فرهنگ مشاوره و

روان‌درمانی، دوره ششم، شماره ۲۴.

فتوگرافی، شهره. (۱۳۸۸). راهنمای دوران نامزدی و عقد. اصفهان: نشر حدیث راه عشق.

کریمی ثانی، پرویز؛ احیائی، کبری؛ اسماعیلی، معصومه و فلسفی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). عوامل

تعیین‌کننده ازدواج موفق: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۲(۴۵): ۷۵-۹۳.

محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد. عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی

زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). فصلنامه شورای فرهنگی-

اجتماعی زنان و خانواده، ۱۴(۵۳): ۷-۴۲.

محمودپور، عبدالباسط؛ دهقانپور، ثنا؛ یوسفی، ناصر؛ ایجادی، سحر. (۱۳۹۹). پیش‌بینی صمیمیت

زناشویی زنان بر اساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده

و بهزیستی اجتماعی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۹): ۸۳-۱۰۲.

- Ahmadi, A. (2016). *Recreating virginity in Iran: Hymenoplasty as a form of resistance*. *Medical Anthropology Quarterly*, 30(2), 222-237.
- Amato, P. R. & Cheadle, J.E. (2008). *Parental Divorce, Marital Conflict and Children's Behavior Problems: A Comparison of Adopted and Biological Children*. *Social Forces*, 86(3), 1139-1161.
- Ballard, M. B. (2012). *The family life cycle and critical transitions: Utilizing cinematherapy to facilitate understanding and increase communication*. *Journal of Creativity in Mental Health*, 7(2), 141-152.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology. Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Burack, Jacob A. Gurr, Erin. Stubbert, Emily. & Weva, Vanessa. (2018). *Personality development among Indigenous youth in Canada: Weaving together universal and community-specific perspectives*. *New Ideas in Psychology*. PP: 1-8.
- Carlson, J. & Sperry, L. (Eds.). (2010). *Recovering intimacy in love relationships: A clinician's guide*. New York, NY: Routledge.
- Carter, B. (1999). *The expanded family life cycle*. Individual Family and social perspective.
- Carter, B. E. & McGoldrick, M. E. (1988). *The changing family life cycle: A framework for family therapy*: Gardner Press.
- Davis, S. D. Lebow, J. L. & Sprenkle, D. H. (2012). *Common factors of change in couple therapy*. *Behavior Therapy*, 43, 36-48.
- Farahani, F. K. A. Cleland, J. & Mehryar, A. H. (2011). *Associations between family factors and premarital heterosexual relationships among female college students in Tehran*. *International perspectives on sexual and reproductive health*, 30-39.
- Fatima, M. & Ajmal. A. (2012). *Happy Marriage: A Qualitative study*, *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2):37-42.
- Goldenberg, I. & Goldenberg, H. (2010). *Family therapy: An overview* (6th ed.). Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
- Gottman, J. M. & Notaries, C. I. (2002). *Marital research in the 20th century and a research agenda*. *Family Process*. 55, 159-197.
- Grove, CA: Brooks/Cole.
- Helm, K. M. & Carlson, J. (2013). *Love, intimacy, and the African American couple*. New
- Khalesi, Z. B. Simbar, M. & Azin, S. A. (2017). *A qualitative study of sexual health education among Iranian engaged couples*. *African health sciences*, 17(2), 382-390.
- Lewis, K. (2016). *Preferences in the early stages of mate choice*. *Social Forces*, 95(1), 283-320.

- Litzinger, S. & Gordon, K. C. (2005). *Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction*. Journal of sex & marital therapy, 31(5), 409-424.
- Long, L.L. & Young, M.E. (2007). *Counseling and Therapy for Couples*. Thomson: BROOKS/COLE.
- Maliki, A. E. (2009). *Determinants of mate selection choice among university students in south-south zone of Nigeria*. Edo Journal of Counseling, 2(2), 165-174.
- Miller, P. E. (2021). *Partner selection: Decision-making as experienced by engaged and married couples*. Marriage & Family Review, 57(2), 93-110.
- Olson, D. H. Larson, P. J. & Olson-Sigg, A. (2009). *couple checkup: Tuning Up relationships*, Journal of Couple & Relationship Therapy, 8: 129-142.
- Sari, O. (2010). *Tourism as a Tool for Development: The Case of Mawlana Tourism in Konya*. PhD Thesis. Middle East Technical University.
- Sharifi, N. (2018). *Female bodies and sexuality in Iran and the search for Defiance: Springer*.
- Walton, E. & Takeuchi, D. T. (2010). *Family Structure, Family Processes, and Well-Being Among Asian Americans: Considering Gender and Nativity*. Journal of Family Issues, 31(3), 301-332.
- York: NY: Routledge.